

رابطه هزینه‌های آموزشی دولت و توسعه انسانی در ایران

شقایق صنعتگران

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

میثم موسایی^۱

عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

شهلا کاظمی‌پور

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۷، شماره ۵: ۱۷۸-۱۵۷

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

پذیرش ۹۹/۷/۱۲

دریافت ۹۷/۹/۲۵

چکیده

در این پژوهش رابطه هزینه آموزشی دولت با توسعه انسانی در ایران در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۹ مورد بررسی قرار گرفته است. روش پژوهش تحقیق اسنادی و پیمایشی از نوع تحلیل داده‌های ثانویه است. داده‌های مربوط به توسعه انسانی از سایت (UNDP) و داده‌های مربوط به هزینه‌های دولتی در آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی و امور اقتصادی از قوانین بودجه استخراج شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات و مدل‌سازی با روش (ARDL) و تابع تولید کاب-داگلاس تعمیم‌یافته و تخمین آن با داده‌های سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۴ انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در کوتاه‌مدت و بلندمدت، هزینه‌های رفاهی تأثیر مثبت و هزینه‌های آموزشی تأثیر منفی بر شاخص توسعه انسانی دارد. هزینه‌های بهداشتی تأثیری بر آن ندارد و هزینه‌های اقتصادی در کوتاه‌مدت اثر مثبت دارد و در بلندمدت بدون تأثیر است. این نتیجه بیانگر پیچیدگی رابطه هزینه‌های آموزشی با توسعه انسانی است. اثر مستقیم افزایش هزینه‌های آموزشی (به شرط تخصیص بهینه بودجه و حیف و میل نشدن آن) بالا رفتن سطح دانش عمومی و افزایش توسعه انسانی است. اما به دلیل محدودیت بودجه، افزایش هزینه‌های آموزشی می‌تواند باعث کاهش بودجه سایر بخش‌ها، از جمله کاهش هزینه‌های بهداشتی و سرمایه‌گذاری‌های توسعه‌ای شود که نتیجه آن کاهش توسعه انسانی است. بنابراین اثر غیرمستقیم و جمع دو اثر مستقیم و غیرمستقیم هزینه‌های آموزشی بر شاخص توسعه انسانی، می‌تواند منفی باشد.

کلمات کلیدی: توسعه انسانی، هزینه‌های آموزشی، هزینه‌های بهداشتی، هزینه‌های رفاه و تأمین اجتماعی، هزینه‌های اقتصادی.

^۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط mousaaei@ut.ac.ir

مقدمه

در گزارش توسعه سازمان ملل، اساسی‌ترین ظرفیت‌ها برای توسعه انسانی^۱ زندگی طولانی و توأم با سلامتی، آموزش و داشتن استانداردهای شایسته زندگی است (UNDP & Sci, 2003). نگاهی به آمارهای منتشرشده در گزارش‌های سالانه توسعه سازمان ملل نشان می‌دهد، کشورهای دارای رتبه‌های بالای توسعه انسانی هزینه گسترده‌ای را صرف آموزش می‌کنند. پیامد ارتباط بین آموزش و توسعه، پیدایش نهضت‌های عظیم علمی در دنیا است. از طرف دیگر در کشورهای درحال توسعه، گسترش دوره‌های تحصیلی، افزایش جمعیت تحت پوشش آموزش، تمایل و گرایش شدید برای دستیابی به مدارک و مدارج تحصیلی بالاتر موجب افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش و نیز افزایش حجم هزینه‌های آموزشی در بودجه دولت شده است. بنابراین آگاهی از ابعاد اقتصادی نظام آموزشی و لزوم برنامه‌ریزی منسجم، همراه با آینده‌نگری در هزینه‌های دولتی آموزش، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. با این نگاه در این مقاله ضمن بررسی دیدگاه‌های نظری مربوط به توسعه انسانی و اقتصاد آموزش، اثر هزینه دولت در آموزش، در مقایسه با هزینه‌های دولت در بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی و امور اقتصادی، بر توسعه انسانی در ایران بررسی شده است.

مبانی نظری

توسعه انسانی

از اولین گزارش سازمان ملل در ارتباط با توسعه انسانی^۲ در ۱۹۹۰، که مفهوم «درآمد سرانه» را به عنوان معیار مقایسه بین‌المللی موفقیت کشورها در دستیابی به اهداف توسعه معرفی کرده بود، تاکنون این ایده تغییرات اساسی پیدا کرده و متفکران توسعه به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه فرایندی ارزشی، هدف‌دار و چند وجهی با ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی است که به بهبود کیفیت زندگی در جوامع می‌پردازد. دستیابی به توسعه نیازمند رسیدن به تعادل پویا بین جنبه‌های اقتصادی-اجتماعی برای بهبود محیط و ایجاد تغییر اساسی در ساخت اجتماعی، طرز

1 Human Development

2 United Nations Development Program (UNDP)

تلقی عامه مردم و نهاده‌های ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری، ریشه‌کن کردن فقر مطلق و کاهش نرخ بیکاری است. این تعادل باید آموخته و از نسلی به نسل دیگر منتقل شود تا افراد بتوانند ضمن داشتن حق انتخاب به سطح قابل قبولی از رفاه دست یابند (sinakou Et al., 2018؛ Ranis, 2004؛ تودارو، ۱۳۷۱؛ گریفین و مک کنلی، ۱۳۷۵).

این رویکرد شالوده اصلی خود را از رویکرد قابلیت‌های آمارتیاسن گرفته است. از نگاه سن «به رغم آن‌که بهبود وضع اقتصادی به مردم کمک می‌کند که انتخاب‌های وسیع‌تری داشته باشند و از زندگی کامل‌تری برخوردار باشند، آموزش بیشتر، مراقبت‌های درمانی بهتر و دیگر عواملی که به‌طور علنی بر آزادی‌های موثری که مردم به واقع از آن لذت می‌برند تأثیر دارند، نیز چنین نقشی را ایفا می‌کنند. چنین «تحولات اجتماعی» باید به‌طور مستقیم به عنوان «توسعه» به شمار آیند، چراکه علاوه بر نقشی که آنها در ارتقاء بهره‌وری، یا رشد اقتصادی و یا درآمدهای فردی دارند به ما کمک می‌کنند که زندگی طولانی‌تر، آزادتر و مفیدتری داشته باشیم» (سن، ۱۳۹۴: ۳۲۹) در این نگاه، توسعه فرایندی دوستانه است و گسترش آزادی به عنوان هدف اولیه و ابزار اصلی توسعه در نظر گرفته شده است و شامل قابلیت‌های اولیه مانند توانایی در اجتناب از محدودیت‌هایی مانند گرسنگی، سوء تغذیه، بیماری و مرگ زودرس است. به علاوه آزادی‌هایی که با سواد خواندن، لذت بردن از مشارکت سیاسی و بیان آزاد و غیره همراه است، را هم شامل می‌شود (سن، ۱۳۹۴: ۵۲).

«توسعه انسانی، توسعه مردم از طریق ایجاد قابلیت‌های انسانی است، که از طریق خود انسان‌ها با مشارکت فعال در فرایندهایی که زندگی آن‌ها را شکل می‌دهد، به دست می‌آید» (UNDP, 2015: 2). «توسعه انسانی باید از نگاه مردمی که در مراحل مختلف زندگی با انواع مختلف آسیب‌ها مواجه‌اند، دیده شود. توسعه پایدار انسانی به احتمال زیاد زمانی است که همه کودکان بتوانند مهارت‌های لازم برای پیوستن به بازار کار را به دست آورند. اقدامات سیاسی و اقتصادی لازم جهت توانمند شدن جوانان فراهم شود و حمایت اجتماعی برای افراد سالخورده از طریق حقوق بازنشستگی اجتماعی و ایجاد فرصت‌هایی برای کار در جایی که می‌توانند کمک کنند، ایجاد شود» (UNDP, 2016).

در الگوی توسعه انسانی، انسان‌ها باید بتوانند با بالابردن سطح کارایی‌شان در فرایند درآمدزایی و اشتغال، فعالانه عمل نمایند. باید شانس همه انسان‌ها در دسترسی به فرصت‌ها جهت بروز قابلیت‌هایشان یکسان باشد و این امکان دسترسی برای نسل‌های بعد هم فراهم باشد و مردم باید در جریان اموری که به زندگی‌شان شکل می‌دهد، مشارکت داشته باشند. بنابراین می‌توان گفت که عناصر کلیدی الگوی توسعه انسانی «بهره‌وری، برابری، پایایی و توانمندسازی» است (منصوری، ۱۳۷۹: ۱۶۵-۱۶۴). «مفهوم توسعه انسانی رویکردی کل‌نگر به «زندگی بهتر» است که به پرورش استعدادها و قوای ذهنی در کنار مصرف کالاها و خدمات تأکید دارد و با هدف قرار دادن زندگی بهتر افق پویایی را فراروی انتخاب‌های انسانی قرار می‌دهد» (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۷۸: ۳). یعنی توسعه انسانی مبتنی بر این ایده اساسی است که پیشرفت جوامع انسانی را نمی‌توان تنها با درآمد سرانه اندازه‌گیری کرد بلکه لازمه دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، پرورش و گسترش استعدادها و ظرفیت‌های انسانی است. بنابراین «توسعه انسانی عبارت از فرایند بسط انتخاب‌ها و ظرفیت‌های انسانی است» (UNDP, 2004: 42).

توسعه فرایندی ایستا با یک نقطه پایان و نهایی نیست، بلکه فرایندی مداوم، بی‌انتهای و پویا است (sinakou Et al., 2018؛ گریفین و نایت، ۱۳۷۶). در این فرایند نقش آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و تغذیه در کمک به مردم برای توسعه قابلیت‌هایشان بسیار مهم و حیاتی است. «برنامه توسعه سازمان ملل متحد، توسعه انسانی را فرایند گسترش دامنه‌گزینه‌های انسان‌ها و بالا رفتن سطح رفاه در پرتو افزایش توانمندی‌ها و بهبود کارکردهای آن‌ها می‌داند» (محمودی، ۱۳۸۵: ۲۲۲). مسأله بنیادی برای گسترش گزینه‌ها و انتخاب‌های انسانی، ایجاد ظرفیت‌های انسانی، یعنی طیفی از چیزهایی است که مردم می‌توانند باشند. «اساسی‌ترین ظرفیت‌ها برای توسعه انسانی، زندگی طولانی و توأم با سلامتی، آموزش، داشتن استانداردهای شایسته زندگی و بهره‌مندی از آزادی‌های سیاسی و مدنی برای مشارکت در زندگی اجتماعی است. سه ظرفیت اولی یاد شده در این گزارش، تحت عنوان شاخص‌های توسعه انسانی HDI یاد شده‌اند» (سن، ۱۳۹۴؛ گریفین و مک کنلی، ۱۳۷۵؛ ازکیا و غفاری، ۱۳۹۳؛ UNDP & Sci, 2003).

اقتصاد آموزش

آدام اسمیت در «نظریه سرمایه انسانی» بر نقش کار در ایجاد ثروت و اهمیت آموزش و پرورش در تشدید آن تأکید کرده است. به عقیده وی انسان‌ها با آموزش به سرمایه مبدل می‌شوند و جامعه می‌تواند از توان تولیدی آنها به صورت بهتری بهره‌مند گردد. هزینه کسب دانش جنبه سرمایه‌ای دارد و دریافت‌کننده آموزش به سرمایه ثابتی تبدیل می‌شود که در فرایند تولید، قدرت تولید فرد و درآمد جامعه را ارتقا می‌بخشید (متوسلی و آهنچیان، ۱۳۹۴: ۶۷). شولتز هم نیروی کار را عاملی همگن و متجانس قلمداد نمی‌کند و اعتقاد دارد آموزش سبب تمایز در کیفیت، مهارت و تخصص نیروی کار است و توانایی‌های اکتسابی انسان‌ها مهم‌ترین منبع رشد بهره‌وری و توسعه اقتصادی است. او «علت توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی کشورها را فقط در میزان سرمایه‌گذاری آنان در آموزش جستجو می‌کند» (معدن دار آرانی و سرکارآرانی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

توسعه‌یافتگی تصمیمی سیاسی-حکومتی، نیازمند دولتی توسعه‌گرا، مبتنی بر شایسته‌سالاری با تربیت مداوم انسان‌هایی متعهد، همراه با زمینه‌سازی‌های فرهنگی است. توجه فراگیر به علم و عقلانیت و نظام آموزشی کاربردی از اصول ثابت توسعه‌یافتگی است (سریع‌القلم، ۱۳۹۲؛ Evans & Rauch, 1999). سازمان ملل آموزش را در قلب استراتژی توسعه قرار داده است، زیرا تحرک آموزش بین‌نسلی، سبب بالارفتن سطح توسعه است. دستیابی به این امر نیازمند به یک فلسفه مناسب تعلیم و تربیت، تغییر در برنامه‌های درسی، آموزش معلمان و اساتید دانشگاه‌ها و توجه به جنبه‌های اقتصادی آموزش است (Filho, et al., 2019؛ Aydemir & Ardashkin, 2015؛ Yazici, 2019؛ Avelar Et al., 2019؛ Mason Et al., 2019؛ McMahon, 2018).

آموزش به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه انسانی کالایی شبه‌عمومی است. به خصوص گستره منافع عمومی آموزش ابتدایی اغلب فراتر از منافع شخص آموزش دیده، است. گسترش آموزش و باسوادی در یک منطقه می‌تواند تغییرات اجتماعی را امکان‌پذیر سازد و موجب پیشرفت اقتصادی گردد. دولت‌ها معمولاً نقش اصلی را در گسترش آموزش‌های اولیه در همه کشورهای جهان برعهده داشته‌اند (سن، ۱۳۹۴: ۱۵۱). با آموزش «انسان‌ها مجهز به شاخصه‌هایی می‌شوند که نه تنها هیچ‌گونه مشکلی با برنامه‌های توسعه‌ای نداشته باشند، بلکه با دلسوزی،

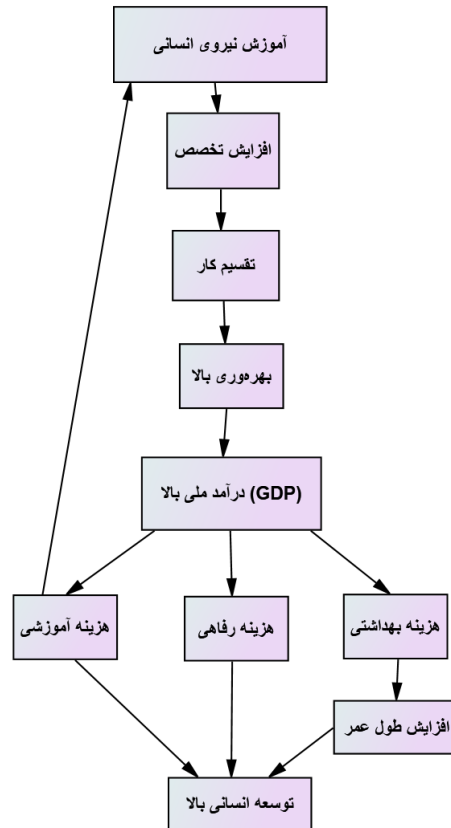
تعهد و بینشی علمی تمام توانمندی‌ها، انرژی، تخصص و فکر خود را در راستای تحقق اهداف توسعه‌ای به کار برده و به طور مداوم به منظور مشارکت، ارزش‌های فکری و کیفی جدیدی تولید کنند» (ساخاراپولس و وودهال، ۱۳۷۳: ۶۳).

«مطالعات توسعه نشان می‌دهد که عملی شدن این فرایند مستلزم انجام اصلاحات اساسی در نظام اقتصادی-سیاسی جامعه است که این امر به نوبه خود در گرو انجام تغییرات بنیادی در طرز تلقی‌ها و پندارهای فرهنگی جامعه است. تحقق این امر نیز بیش از هر چیز در گرو گسترش نگرش علمی و تبدیل این نگرش به باور اساسی فرهنگی جامعه است. باید شرایطی از نظر پرورش شخصیت و فرهنگ سازی در جامعه فراهم آید که انسان‌ها بدون لزوم به استدلال منطقی و به نحوی نسبتاً عام پذیرای این نکته باشند که برای درک هر حادثه و اتفاقی باید به شناخت علمی روی آورد و برای حل هر مشکلی باید به قانون‌مندی‌های علوم متوسل شد. این تغییر بنیادی در تلقی‌های فرهنگی جامعه محیط اصلی مناسب توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد و تحقق این امر در گرو بازسازی اساسی نظام آموزشی عمومی کشور به‌ویژه مقاطع اولیه این نظام (ابتدایی و راهنمایی) است» (عظیمی، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۰).

با توجه به شبه‌عمومی بودن آموزش و نقش دولت در نظام آموزشی کشورهای درحال‌گذار، بدیهی است که در گام‌های اول توسعه، دولت عهده‌دار برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری آموزشی باشد. در بلندمدت استراتژی توسعه انسانی، همراه با کاهش تدریجی نقش دولت و حضور جامعه مدنی در برنامه‌ریزی و دستیابی به ترکیبی از منابع مالی دولتی و خصوصی برای بخش آموزش است. هم‌سویی بین دولت‌های توسعه‌گرا و جامعه مدنی، به تدریج کمک می‌کند که «نگاه سخت‌افزاری و تقلیل‌گرا» به توسعه که منجر به شکل‌گیری مدارهای توسعه‌نیافتگی است، تغییر کند (عظیمی، ۱۳۹۳؛ ساخاراپولس و وودهال، ۱۳۷۳؛ شیرزادی، ۱۳۹۱؛ پیران، ۱۳۸۹).

رویکرد این مقاله تلفیقی از نظریه‌های آدام اسمیت، تئودر شولتز و آمارتیاسن است. با این مضمون که آموزش سبب افزایش تخصص، کوتاه‌شدن فرایند یادگیری کسب مهارت و افزایش عمر متوسط نیروی شاغل است. تخصیصی شدن کارها همراه با تقسیم کار و بالارفتن بهره‌وری است. بهره‌وری بالا، درآمد ملی (GDP) و پس‌انداز خانواده‌ها را افزایش می‌دهد. بهبود وضعیت

اقتصادی دولت و خانوار منجر به افزایش هزینه‌های آموزشی، بهداشتی و رفاهی توسط دولت و خانواده‌ها و بالارفتن سطح توسعه انسانی است. مدل این چارچوب در شکل زیر آمده است.



پیشینه تحقیق

پیر پائولو ساوتی (Saviotti Et al., 2016) در مقاله «آموزش، تغییر ساختاری و توسعه اقتصادی» تأثیر آموزش بر درآمد و توزیع درآمد با تقسیم جمعیت آماری به دو طبقه اجتماعی، پایین و بالا با سطوح و کیفیت آموزشی متفاوت را مطالعه کرده است. طبقه بالا سطح و کیفیت آموزش بالاتری دارد، که به نوبه خود به سطح بالاتری از سرمایه انسانی منتهی می‌گردد. از طرفی نتایج گزارش شده نشان می‌دهد که آموزش می‌تواند دو رابطه متناقض داشته باشد: می‌تواند با منظور

داشتن سهم طبقه پایین برای رسیدن به سهم طبقه بالا تأثیر مثبتی بر تحرک اجتماعی داشته باشد و می‌تواند به دلیل کیفیت آموزش بالاتری که برای طبقه بالا تدارک دیده است به توزیع درآمدی ناهموارتری بینجامد. جودی اگو و همکاران (Eggoh Et al., 2015) در مقاله «آموزش، بهداشت و رشد اقتصادی در کشورهای آفریقایی» به بررسی رابطه میان سرمایه انسانی (که توسط متغیرهای مربوط به آموزش و بهداشت اندازه‌گیری می‌شوند) و رشد اقتصادی در نمونه‌ای شامل ۴۹ کشور آفریقایی از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ می‌پردازند. با استفاده از تکنیک‌های مبتنی بر قالب‌بندی پویا و مقطعی سنتی، درمی‌یابند که هزینه‌های عمومی آموزش و بهداشت تأثیری منفی بر رشد اقتصادی دارد، در حالی که شاخص‌های سهام سرمایه انسانی رابطه نسبتاً مثبتی بر رشد اقتصادی دارند. به علاوه، بررسی‌های تجربی آنها نشان می‌دهد که هزینه‌های آموزش و بهداشت مکمل یکدیگر هستند. بنابراین، هزینه عمومی در آموزش و بهداشت و بهره‌وری آن‌ها به منظور پیش‌بینی رابطه مثبت سرمایه انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای آفریقایی باید توأمافاً افزایش یابد. هاکان اوزتونک و همکاران (Hakan Et al., 2015) در مقاله «اثرات تحصیل زنان بر رشد اقتصادی: مطالعه تجربی سرتاسری» بررسی می‌کنند که تحصیل زنان چه تأثیری بر رشد اقتصادی بلندمدت در منطقه آسیا-اقیانوسیه دارد. این مطالعه در دوره زمانی بین سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۱۰ در کشورهای بنگلادش، کامبوج، چین، هندوستان، اندونزی، لائوس، مالزی، میانمار، فیلیپین، ویتنام و تایلند که به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، می‌باشد. نتایج به‌دست آمده از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که نرخ باروری، مشارکت نیروی کار زنان و ثبت‌نام زنان در مدارس ابتدایی عوامل معناداری در رشد درآمد سرانه سالانه هستند. کورت (Kurt, 2015) در مقاله‌ای به تحلیل تأثیر مستقیم و غیرمستقیم مخارج دولتی بهداشت بر رشد اقتصادی ترکیه پرداخته‌است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه مستقیم مخارج بهداشت و درمان بر رشد اقتصادی مثبت و معنادار و رابطه غیرمستقیم مخارج بهداشت و درمان بر رشد اقتصادی منفی و معنادار است. وانگ کوان-مین (Wang, 2011) به تحلیل تأثیر مخارج مراقبت‌های بهداشتی و رشد اقتصادی در ۳۱ کشور در دوره زمانی ۱۹۸۶-۲۰۱۱ با استفاده از دو روش تجزیه و تحلیل تجربی رگرسیون پانل دیتا و تجزیه و تحلیل رگرسیون کوانتایل پرداخته‌است. نتایج حاصل از

آن بیانگر این است که رشد مخارج بهداشتی باعث افزایش رشد اقتصادی شده، اما رشد اقتصادی باعث کاهش رشد مخارج بهداشتی شده است. همچنین، در کشورهای با رشد اقتصادی پایین، متوسط و بالا، رابطه رشد مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی متفاوت بوده است. نارایان و همکاران (Narayan Et al., 2010) در مقاله‌ای به تحلیل رابطه سلامت و رشد اقتصادی در ۵ کشور آسیایی منتخب با استفاده از روش هم‌جمعی پانل در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۷۴ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مخارج سلامت، آموزش، تعامل مخارج آموزش و مخارج تحقیق و توسعه، سرمایه‌گذاری و صادرات کالاها و خدمات تأثیر مثبت و واردات کالاها و خدمات تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارد. کلومبیر (Colombier, 2000) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی ضمن بررسی تأثیر ترکیب مخارج دولت بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی طی سال‌های ۱۹۹۸-۱۹۷۰ نشان داده است که مخارج آموزشی، تأمین امنیت و رفاه اجتماعی تأثیر مثبت و مخارج بهداشتی تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته‌اند. بلتینی و سرون (Belletini & Ceroni, 2000) با استفاده از داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر مخارج رفاه و امنیت اجتماعی بر رشد اقتصادی ۶۱ کشور منتخب در حال توسعه و توسعه‌یافته طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۶۰ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مخارج صرف‌شده برای رفاه و امنیت اجتماعی از طریق تأثیرگذاری بر سرمایه انسانی منجر به افزایش رشد اقتصادی در گروه کشورهای مورد بررسی است. بام و لین (Baum & Lin, 1993) با بهره‌گیری از داده‌های تابلویی به بررسی تأثیر مخارج آموزشی، بهداشتی، تأمین امنیت و رفاه اجتماعی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته طی سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۵ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که نرخ رشد مخارج آموزشی در همه موارد تأثیر مثبت و معنی‌دار و نرخ رشد مخارج رفاهی در همه مدل‌های برآورد شده تأثیری منفی و معنی‌دار بر رشد اقتصادی داشته است.

نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶) در «بررسی عوامل مؤثر بر شاخص توسعه انسانی در ایران با رویکرد میانگین‌گیری بیزی» با فرض بی‌اطلاعی از مدلی که بتواند به درستی توضیح‌دهنده شاخص توسعه انسانی باشد، با در نظر گرفتن چارچوب عدم اطمینان مدل و با روش میانگین

گیری بیزی، پس از انجام محاسبات و بررسی رابطه ۲۱ عامل بر روی شاخص توسعه انسانی ایران مشخص کردند که پنج متغیر رشد درآمدهای نفتی، رشد مخارج بهداشتی دولت، رشد تحصیلات ابتدایی، تورم و موجودی سرمایه به‌عنوان متغیرهای غیرشکننده، تأثیر معنی‌داری بر توسعه انسانی ایران دارند. شاهپوندی (۱۳۹۶) به پیروی از نارایان و همکاران (۲۰۱۰) و تعمیم الگوی رشد درونزای لوکاس (۱۹۸۸) با استفاده از یک الگوی اقتصادسنجی و روش داده‌های تابلویی در دوره ۲۰۱۴-۱۹۹۵ به تحلیل تأثیر آموزش و سلامت نیروی انسانی بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک پرداخته‌است. نتایج حاصل از الگوهای برآوردی بیانگر این است که نسبت کل مخارج آموزشی و بهداشت عمومی به تولید ناخالص داخلی و نرخ امید به زندگی بر رشد اقتصادی کشورهای اوپک رابطه مثبت و معناداری دارد. همچنین نتایج بیانگر رابطه منفی و معنادار نرخ مرگ و میر نوزادان بر رشد اقتصادی است. پناهی و آل‌عمران (۱۳۹۴) در بررسی «تأثیر مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی گروه D8» در روش تابلویی در فاصله زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۲ به تأثیر مثبت و معنی‌دار مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی رسیده‌اند. صادقی (۱۳۹۳) در بررسی رابطه بلندمدت بین مخارج آموزشی، بهداشتی، امنیت و رفاه اجتماعی و رشد اقتصادی در ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۰ با روش حداقل مربعات پویا در داده‌های تابلویی به این نتیجه رسیده‌است که مخارج آموزشی و رفاه اجتماعی تأثیر مثبت و مخارج بهداشتی و کسری بودجه دولت تأثیر منفی و معنی‌داری بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته‌اند. باسحا و همکاران (۱۳۹۰) به منظور بررسی میزان تأثیرگذاری هزینه‌های دولت در دو بخش بهداشت و آموزش بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی، روش‌های اقتصادسنجی متداول و مدل ساختار کواریانس را در دوره زمانی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ مورد استفاده قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که اثر هزینه‌های آموزشی و بهداشتی دولت، نرخ شهرنشینی، نسبت دانش‌آموزان دختر به پسر در دوره ابتدایی بر شاخص توسعه انسانی مثبت و اثر متغیرهای نرخ باروری زنان، نسبت تعداد دانش‌آموز به معلم در دوره ابتدایی بر شاخص توسعه انسانی منفی است. مشکانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش «بررسی تأثیر

هزینه‌های آموزش بر سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه» نشان داده‌اند که افزایش هزینه‌های آموزش رابطه‌ای مثبت با سرمایه انسانی دارد و سبب می‌شود این سرمایه به صورت قابل توجهی افزایش یابد. تأثیر افزایش هزینه‌های آموزش بر رشد اقتصادی نیز مثبت است، اما جداسازی اثرات رشد به عوامل مختلف (نیروی انسانی و سرمایه فیزیکی) نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری میان افزایش در سرمایه انسانی و رشد اقتصادی برای دوره متوسطه وجود ندارد و بیشتر افزایش در ارزش افزوده به دلیل هزینه‌های انجام شده در آموزش (افزایش سرمایه فیزیکی) است و افزایش در سرمایه انسانی در این زمینه تأثیری ندارد. اما در آموزش عالی با افزایش سرمایه انسانی رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. موسوی خامنه و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان» وضعیت آموزشی زنان را با ابعاد گوناگون توسعه در حوزه توسعه انسانی و توسعه جنسیتی و در ارتباط با شاخص‌های بهداشتی، اقتصادی و سیاسی تحلیل نموده و از طریق مطالعه تطبیقی میان کشورهای با درجات متفاوت از حیث توسعه‌یافتگی، روندهای آموزشی در این کشورها را بررسی کرده و نشان داده‌اند که آموزش در توسعه انسانی و همچنین توسعه جنسیتی نقش مهمی دارد. توسعه آموزشی زنان به بهبود کیفیت زندگی، تقویت بنیه نظام اقتصادی کشورها، افزایش مشارکت سیاسی و در نهایت توانمندسازی زنان منجر می‌شود. پورفرج (۱۳۸۴) به بررسی «مخارج دولت برای سرمایه انسانی و نقش آن در رشد اقتصادی ایران» پرداخته است. وی تلاش نموده با تفکیک هزینه‌های جاری از عمرانی دولت رابطه آن را بر رشد بسنجد. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که رابطه اندازه هزینه‌های جاری دولت با رشد منفی و اندازه هزینه‌های عمرانی دولت با رشد مثبت و معنی‌دار است. قسمتی از هزینه‌های جاری دولت مربوط به هزینه‌های آموزشی در زمینه آموزش عمومی و عالی و پژوهشی است. با تفکیک این هزینه‌ها از مخارج جاری دولت رابطه آن با رشد اندازه‌گیری شده است. مخارجی که دولت برای سرمایه انسانی هزینه کرده است در کوتاه مدت بعد از یک یا دو تأخیر بر رشد اثر مثبت دارند، اما مخارج جاری غیر از مخارج سرمایه انسانی و آموزشی بر رشد دارای اثر

منفی است. بنابراین اگر دولت بخواهد ساختار و اندازه خود را اصلاح کند باید سیاست‌های اصلاحی خود را به سمت مخارج جاری به جز سرمایه انسانی متوجه سازد.

مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در این پژوهش‌ها (به جز پژوهش‌های مربوط به نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶)، باسختا و همکاران (۱۳۹۰) و موسوی خامنه و همکاران (۱۳۸۹)) متغیرهای تاثیرگذار بر توسعه انسانی سنجیده نشده است و در اکثر آن‌ها به صورت غیرمستقیم رابطه متغیر وابسته رشد و یا توسعه اقتصادی با سرمایه انسانی بررسی گردیده است. بنابراین با چشم‌پوشی از این موضوع، رابطه هزینه‌های آموزشی، بهداشتی، رفاهی و اقتصادی با رشد، توسعه اقتصادی، سرمایه انسانی و به طور غیرمستقیم با توسعه انسانی، دسته‌بندی شده است.

مروری بر نتایج پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اثر هزینه‌های دولت در آموزش بر رشد و یا توسعه انسانی از دید پیر پائولو ساوتی (۲۰۱۶)، هاکان اوزتونک و همکاران (۲۰۱۵)، نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، کلومبیر (۲۰۰۰)، بام و لین (۱۹۹۳)، نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶)، شاهپوندی (۱۳۹۶)، صادقی (۱۳۹۳)، باسختا و همکاران (۱۳۹۰)، مشکانی و همکاران (۱۳۹۰)، موسوی خامنه و همکاران (۱۳۸۹) و پورفرج (۱۳۸۴) مثبت و از نگاه جودی آگو و همکاران (۲۰۱۵) منفی است. اثر هزینه‌های دولتی بهداشت بر رشد و یا توسعه انسانی از دید وانگ کوان-مین (۲۰۱۱)، نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶)، پناهی و آل‌عمران (۱۳۹۴)، شاهپوندی (۱۳۹۶) و باسختا و همکاران (۱۳۹۰) مثبت و از نظر جودی آگو و همکاران (۲۰۱۵)، کلومبیر (۲۰۰۰) و صادقی (۱۳۹۳) منفی است. همچنین از دید کورت (۲۰۱۵) هزینه‌های دولتی بهداشت دارای دو اثر مستقیم مثبت و غیرمستقیم منفی است. رابطه هزینه‌های دولت در رفاه و تأمین اجتماعی با رشد و یا توسعه انسانی از نظر کلومبیر (۲۰۰۰)، بلتینی و سرونی (۲۰۰۰) و صادقی (۱۳۹۳) مثبت و از دیدگاه بام و لین (۱۹۹۳) منفی است و در نهایت رابطه هزینه‌های دولت در اقتصاد بر رشد و یا توسعه انسانی از نگاه نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶) و شاهپوندی (۱۳۹۶) مثبت و از منظر صادقی (۱۳۹۳) در صورت وجود کسر بودجه منفی است.

به دلیل اینکه در تحقیقات پیشین، رابطه بین هزینه‌های دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی و امور اقتصادی با توسعه انسانی، به طور مستقیم بررسی نشده است، ضرورت پرداختن به این موضوع احساس گردید.

روش شناسی

هدف این پژوهش کاربردی و روش آن پیمایشی از نوع تحلیل داده‌های ثانویه و اسنادی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و مدل‌سازی از نرم‌افزار Eviews10 استفاده شده است. داده‌های مربوط به توسعه انسانی در بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۹ از سایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) و داده‌های مربوط به هزینه‌های دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی و امور اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۹ از قوانین بودجه استخراج شده است. جهت مقایسه‌پذیر شدن داده‌های موجود در هر یک از منابع بالا، همه داده‌های سرمایه‌ای برحسب میلیون ریال و به سال پایه ۹۵ تبدیل و به صورت سرانه در مدل وارد شده‌اند.

تبیین و تصریح مدل

مدل تحقیق: ارتباط بین توسعه انسانی با هزینه دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی و امور اقتصادی در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۹ به کمک الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی^۱ (ARDL).

در این تحقیق با توجه به مبانی نظری و مطالعات انجام‌شده قبلی از تابع تولید کاب-داگلاس^۲ تعمیم‌یافته جهت بررسی رابطه بین متغیرهای هزینه آموزش، بهداشت، رفاه و اقتصاد با توسعه انسانی و مدل‌سازی استفاده شده است. فرم کلی تابع کاب-داگلاس برای متغیرهای این تحقیق به شکل زیر است:

$$HDI_t = \alpha GCEd_t^{\beta 1} GCH_t^{\beta 2} GCW_t^{\beta 3} GCEC_t^{\beta 4} e^u$$

در این معادله HDI معرف شاخص توسعه انسانی، GCEd هزینه‌های دولت در آموزش،

GCH هزینه‌های دولت در بهداشت، GCW هزینه‌های دولت در رفاه و تأمین اجتماعی، GCEC

1 Autoregressive Distributed Lag

2 Cobb-Douglas production function

هزینه‌های دولت در امور اقتصادی، u جزء اخلال و e پایه لگاریتم طبیعی در مدل است. این معادله نشان می‌دهد که رابطه بین توسعه انسانی با سایر متغیرهای مستقل غیرخطی است. با تبدیل معادله بالا به شکل لگاریتمی خواهیم داشت:

$$\text{LnHDI}_t = \beta_0 + \beta_1 \text{LnGCED}_t + \beta_2 \text{LnGCH}_t + \beta_3 \text{LnGCW}_t + \beta_4 \text{LnGCEC}_t + u_t$$

در این رابطه $\beta_0 = \text{Ln } \alpha$ است.

بدین ترتیب مدل از نظر پارامترهای $\beta_0, \beta_1, \beta_2, \beta_3, \beta_4$ خطی شده و روش تحلیل رگرسیون خطی در مورد آن به کار می‌رود. لازم به ذکر است که مدل همچنان از نظر متغیرهای $\text{HDI}, \text{GCED}, \text{GCH}, \text{GCW}, \text{GCEC}$ غیرخطی است اما لگاریتم این متغیرها خطی شده است. یعنی «این مدل یک رگرسیون مرکب لگاریتم-خطی است» (گجراتی، ۱۳۸۳: ۲۰۱). در این رابطه β_1 تا β_4 یا همان ضرایب رگرسیونی، کشش‌های جزئی متغیر وابسته نسبت به متغیرهای مستقل را نشان می‌دهند. یعنی بتاها، تأثیر خالص هر یک از متغیرهای مستقل هزینه دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی و امور اقتصادی را صرف نظر از تأثیر سایر متغیرهای مستقل، بر روی متغیر وابسته توسعه انسانی می‌سنجند.

فرضیه متناظر با این مدل عبارت است از: بین هزینه دولت در آموزش، بهداشت، رفاه و تأمین اجتماعی و امور اقتصادی و توسعه انسانی رابطه وجود دارد.

و یا

$$H_0: \beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = \beta_4 = 0$$

حداقل یک ضریب زاویه مخالف صفر وجود دارد: H_1 :

برای آزمون این فرضیه از الگوی خودرگرسیونی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) جهت تخمین مدل و بررسی روابط کوتاه و بلندمدت بین متغیرها استفاده شده است. به همین منظور به ترتیب آزمون پایایی، تعیین وقفه بهینه مدل، آزمون کرانه‌ها و در نهایت تخمین مدل با روش ARDL اجرا شده است.

آزمون پایایی ریشه واحد دیکی-فولر^۱

در اغلب مطالعات سری‌های زمانی، وجود ریشه واحد در متغیرهای سری زمانی ممکن است منجر به برآورد رگرسیون کاذب و اتکاناپذیر شدن شود. پس لازم است وضعیت مانایی و درجه هم‌جمعی متغیرها مشخص شود. نتایج آزمون پایایی دیکی-فولر برای داده‌های مدل در جدول ۱ نشان می‌دهد که همه متغیرهای مورد مطالعه با یک بار تفاضل‌گیری مانا شده و در سطح یک پایا هستند.

جدول ۱. آزمون ریشه واحد دیکی-فولر تعمیم‌یافته

متغیر	ضریب	سطح معنی‌داری	درجه هم‌جمعی
GCEC	-۵,۰۷۴۳	۰,۰۰۰۴	I(1)
GCED	-۵,۴۸۹۹	۰,۰۰۰۲	I(1)
GCH	-۴,۳۲۸۴	۰,۰۰۲۶	I(1)
GCW	-۴,۵۴۷۱	۰,۰۰۱۵	I(1)
HDI	-۳,۱۲۹۵	۰,۰۳۷۷	I(1)

تعیین وقفه بهینه مدل: در تخمین مدل، تعیین تعداد وقفه جهت مشخص کردن تعداد متغیرهای مناسب برای حضور در سیستم از اهمیت زیادی برخوردار است. مقدار آماره شوارتز-بیزین^۲ در این مدل برابر ۲,۳۳۲۵ و وقفه بهینه مدل با توجه به حجم نمونه یک است. آزمون کرانه‌ها^۳: پس از مشخص شدن پایایی متغیرهای الگو در سطح یک و قبل از بررسی معنی‌داری رابطه بلندمدت بین آنها در الگوی ARDL، لازم است ابتدا با آزمون کرانه‌ها وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای الگو کنترل شود. برای این کار نتایج آزمون باند تست در جدول ۲، نشان می‌دهد که آماره F برابر ۵,۵۲۱ و در سطح ۰,۰۱ معنی‌دار است و مقدار آن از حد بالای ارزش بحرانی I(1) بیشتر است. یعنی میان متغیرهای الگو رابطه بلندمدت برقرار است.

1 Dickey- Fuller unit root test
 2 Schwarz information criterion
 3 Bounds Test

جدول ۲. Bounds Test

I(1)	I(0)	سطح معنی داری	مقدار آماره F	درجه آزادی
۳,۵۲	۲,۴۵	%۱۰	۵,۵۲۱۱	۴
۴,۰۱	۲,۸۶	%۵		
۴,۴۹	۳,۲۵	%۲,۵		
۵,۰۶	۳,۷۴	%۱		

تخمین مدل با الگوی ARDL: گزارش تخمین مدل با الگوی خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی در سه بخش رابطه‌های پویا، کوتاه‌مدت و بلندمدت ارائه می‌شود.

جدول ۳ پویایی مدل را نشان می‌دهد. در این مدل با توجه به نتایج آزمون شوارتز-بیزین، وقفه بهینه برای متغیر توسعه انسانی یک و برای سایر متغیرها صفر در نظر گرفته شده است. در این تخمین رقم R2 برابر ۰,۹۹۷۶۰۴ و رقم adjusted- R² برابر ۰,۹۹۶۹۷۳ است، که نشان می‌دهد رگرسیون تخمین‌زده شده داده‌ها را به خوبی برازش می‌کند. مقدار ۱,۵۸۴۳۸۳ برای آماره دوربین واتسن^۱ به معنی عدم وجود خود همبستگی بین متغیرها و معنی‌داری آماره F در سطح ۰,۰۰۰ بیانگر عدم وجود ناهمسانی واریانس‌ها، تأیید رگرسیون، رد فرض صفر و تأیید فرضیه این تحقیق مبنی بر رابطه بین حداقل یکی از متغیرهای مستقل هزینه دولت در آموزش، رفاه و تأمین اجتماعی، بهداشت و امور اقتصادی با متغیر وابسته توسعه انسانی است.

جدول ۳. برآورد الگوی ثابت ARDL (1,0,0,0)

متغیر	ضریب	آماره آزمون	سطح احتمال
HDI(-1)	۰,۸۷۷۲۲۴	۳۱,۸۵۶۲۹	۰,۰۰۰۰
GCEC	۰,۰۰۰۶۹۰	۱,۸۳۶۹۹۲	۰,۰۸۱۹
GCED	-۰,۰۰۱۲۸۷	-۱,۹۷۷۴۵۹	۰,۰۶۲۷
GCH	۶,۲۱	۰,۰۶۱۱۱۳	۰,۹۵۱۹
GCW	۰,۰۰۳۱۶۴	۳,۶۱۵۲۸۷	۰,۰۰۱۸
C	۰,۰۷۹۶۴۹	۴,۹۸۵۹۹۸	۰,۰۰۰۱
R-squared	Adjusted R-squared	۰,۹۹۷۶۰۴	۰,۹۹۶۹۷۳
F-statistic	Prob(F-statistic)	۱۵۸۱,۹۴۸	۰,۰۰۰۰
Durbin-Watson stat		۱,۵۸۴۳۸۳	

1 Durbin-Watson stat

طبق نتایج این جدول افزایش هزینه اقتصادی و رفاهی سبب افزایش توسعه انسانی و افزایش هزینه آموزشی باعث کاهش توسعه انسانی است و تغییرات در هزینه بهداشتی رابطه‌ای با توسعه انسانی ندارد. با توجه به اعداد جدول بالا رابطه بین متغیرهای الگو را می‌توانیم به شکل زیر بنویسیم:

$$\text{LnHDI}_t = 0.079649 - 0.001287\text{LnGCDE}_t + 0.003164\text{LnGCW}_t + 0.000690\text{LnGCEC}_t + 0.877224\text{LnHDI}_{t-1} + u_t$$

در جدول ۴ برآورد کوتاه مدت مدل آمده است. اعداد مندرج در جدول نشان می‌دهد مقدار ضریب شاخص توسعه انسانی با یک بار وقفه منفی شده است. یعنی این متغیر روند خوبی ندارد و متأثر از مقدار سال گذشته و شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... است. ضریب متغیر هزینه دولت در رفاه و تأمین اجتماعی در سطح ۰,۰۰۱ برابر با ۰,۰۰۳۱۶۴ است. یعنی یک درصد تغییر در هزینه رفاهی باعث ۰,۳۱ درصد تغییر در توسعه انسانی است. این نتیجه مطابق نظر کلومبیر (۲۰۰۰)، بلتینی و سرونی (۲۰۰۰) و صادقی (۱۳۹۳) است. ضریب متغیر هزینه دولت در امور اقتصادی در سطح ۰,۱ معنی‌دار و برابر ۰,۰۰۰۶۹۰ است. یعنی یک درصد تغییر در هزینه اقتصادی سبب ۰,۰۶ درصد افزایش در توسعه انسانی است که مطابق نظر نارایان و همکاران (۲۰۱۰)، نوری نائینی و همکاران (۱۳۹۶) و شاهوندی (۱۳۹۶) است. ضریب متغیر هزینه دولت در آموزش در سطح ۰,۱ معنی‌دار و برابر ۰,۰۰۱۲۸۷- است. یعنی یک درصد افزایش در هزینه آموزشی باعث ۰,۱۲ درصد کاهش توسعه انسانی در ایران است. که در تأیید نظر جودی آگو و همکاران (۲۰۱۵) است و ضریب هزینه بهداشتی دولت معنی‌دار نیست، یعنی هزینه دولت در امور بهداشتی رابطه‌ای با توسعه انسانی در ایران ندارد.

جدول ۴. برآورد الگوی کوتاه مدت $\text{ARDL}(1,0,0,0)$

متغیر	ضریب	آماره آزمون	سطح احتمال
C	۰,۰۷۹۶۴۹	۴,۹۸۵۹۹۸	۰,۰۰۰۱
HDI(-1)	-۰,۱۲۲۷۷۶	-۴,۴۵۸۶۰۸	۰,۰۰۰۰
GCEC	۰,۰۰۰۶۹۰	۱,۸۳۶۹۹۲	۰,۰۸۱۹
GCED	-۰,۰۰۱۲۸۷	-۱,۹۷۷۴۵۹	۰,۰۶۲۷
GCH	۶,۲۱	۰,۰۶۱۱۱۳	۰,۹۵۱۹
GCW	۰,۰۰۳۱۶۴	۳,۶۱۵۲۸۷	۰,۰۰۱۸

نتایج حاصل از رابطه بلندمدت بین متغیرهای الگو در جدول ۵ آمده‌است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد هزینه دولت در رفاه و تأمین اجتماعی با سطح احتمال ۰,۰۰۰۱ تنها متغیری است که مطابق با نظر کلومبیر (۲۰۰۰)، بلتینی و سرون (۲۰۰۰) و صادقی (۱۳۹۳) تأثیر مستقیم بر توسعه انسانی در ایران دارد. اعداد جدول نشان می‌دهد که با افزایش یک درصدی هزینه دولت در رفاه و تأمین اجتماعی ۲,۵۷ درصد بر توسعه انسانی افزوده می‌شود. هزینه دولت در آموزش هم‌چون نتایج به‌دست‌آمده در کوتاه‌مدت و در تأیید نظر جودی آگو و همکاران (۲۰۱۵)، با سطح احتمال ۰,۱ رابطه منفی با توسعه انسانی دارد یعنی با افزایش یک درصدی در هزینه آموزشی ۱,۰۴ درصد از توسعه انسانی کاسته می‌شود. متغیرهای هزینه دولت در امور اقتصادی و بهداشت در بلندمدت رابطه‌ای با توسعه انسانی ندارند. این نتیجه در پیشینه تحقیق مشاهده نمی‌گردد.

جدول ۵. برآورد الگوی بلند مدت $ARDL(1,0,0,0,0)$

متغیر	ضریب	آماره آزمون	سطح احتمال
GCEC	۰,۰۰۵۶۲۰	۱,۷۲۷۰۹۷	۰,۱۰۰۴
GCED	-۰,۰۱۰۴۸۵	-۱,۹۱۸۸۳۷	۰,۰۷۰۲
GCH	۰,۰۰۰۵۰۶	۰,۰۶۱۳۵۳	۰,۹۵۱۷
GCW	۰,۰۲۵۷۶۸	۴,۹۷۸۷۰۲	۰,۰۰۰۱

خلاصه و نتیجه‌گیری

مشاهد شد که طبق الگوی کوتاه‌مدت، افزایش یک درصدی هزینه رفاه و تأمین اجتماعی ۰,۳۱ درصد و افزایش یک درصدی هزینه اقتصادی سبب ۰,۰۶ درصد افزایش در توسعه انسانی است و افزایش یک درصدی هزینه آموزش سبب ۰,۱۲ درصد کاهش توسعه انسانی است. تغییر در هزینه‌های بهداشتی اثری بر توسعه انسانی ندارد. یعنی در کوتاه‌مدت باید سیاست دولت بر مبنای هزینه‌کردن در امور رفاهی و اقتصادی و آسیب‌شناسی هزینه‌های آموزشی و بهداشتی و رفع آسیب‌ها باشد. اما در بلندمدت، افزایش یک درصدی هزینه‌های رفاهی موجب ۲,۵۷ درصد افزایش توسعه انسانی و افزایش یک درصدی هزینه‌های آموزش باعث ۱,۰۴ درصد کاهش

توسعه انسانی است و افزایش هزینه دولت در اقتصاد و بهداشت تأثیری بر توسعه انسانی ندارد. یعنی دولت باید در بلندمدت، برای افزایش هزینه رفاه و تأمین اجتماعی مردم، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی داشته‌باشد، دلایل رابطه منفی هزینه آموزش و رابطه نداشتن هزینه‌های بهداشتی با توسعه انسانی، را ریشه‌یابی و رفع نماید. اما نکته قابل توجه در نتایج هزینه اقتصادی این است که برنامه‌ریزی و هزینه‌کردن دولت در اقتصاد امروز، می‌تواند پایه‌های توسعه انسانی فردا را بنیان‌گذارد و به این ترتیب در آینده نیازی به صرف هزینه‌های کلان اقتصادی نباشد. اتفاقی که در کشورهای توسعه‌یافته افتاده‌است. یعنی پس از توسعه اقتصادی و رفع نیازهای طبیعی بخش زیادی از جمعیت، با افزایش سطح تحصیلات، طول عمر و گسترش دولت‌های رفاه، از تأکید بر رفاه مادی و امنیت جانی به تأکید بر کیفیت زندگی رسیده و با گذشتن از مرز نیازهای مادی، پا به عرصه «نیازهای فرامادی» گذاشته‌اند.

در نهایت و بر اساس نظر پیران (۱۳۸۹) می‌توان گفت که هزینه دولت در آموزش، رفاه و تأمین اجتماعی، بهداشت و امور اقتصادی در ایران طی سال‌های گذشته برآمده از «نگاه سخت‌افزاری و تقلیل‌گرا» به توسعه است و با وجود هزینه‌کردن، به دلیل عدم بهره‌وری، فساد، بروکراسی و هزینه کمتر از میزان مناسب و یا در زمان نامناسب نتیجه مطلوب که همان توسعه انسانی است، حاصل نمی‌گردد. همچنین طبق نظر ازکیا (۱۳۹۳)، عدم هماهنگی بین اهداف توسعه‌ای مردم و برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی، موجب مقاومت در فرایند توسعه است و برای نتیجه‌بخش بودن برنامه‌های توسعه‌ای لازم است با ارزیابی و نیازسنجی‌های ملی و منطقه‌ای، ضمن اجرای راهبرد توسعه از پایین، به اندیشه‌ها و اهداف توسعه‌ای توده مردم و مشارکت‌دادن آنها در تمامی مراحل مربوط به برنامه‌ریزی توسعه توجه گردد.

منابع

- ازکیا، م.؛ غفاری، غ. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی توسعه. تهران: شرکت انتشارات کیهان.
- باسرخا، م.؛ صباغ کرمانی، م.؛ یآوری، ک. (۱۳۹۰). بررسی کارکرد هزینه‌های بهداشتی و آموزشی دولت در بهبود شاخص‌های توسعه انسانی: مطالعه موردی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی. مدیریت سلامت، ۱۴(۴۵)، ۲۶-۱۱.
- پناهی، حسین؛ آل عمران، س. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مخارج بهداشتی دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی گروه D8. مجله بهداشت و توسعه، ۴(۴)، ۳۳۶-۳۲۷.
- پورفرج، ع. (۱۳۸۴). مخارج دولت برای سرمایه انسانی و نقش آن در رشد اقتصادی ایران. تحقیقات اقتصادی (۶۹)، ۵۷-۸۶.
- پیران، پرویز (۱۳۸۹). توسعه سخت‌افزارانه. چشم‌انداز ایران (۶۴)، ۱۳۵-۱۳۳.
- تودارو، مایکل (۱۳۷۱). توسعه اقتصادی جهان سوم. ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ساخاراپولس، جرج؛ وودهال، مورین (۱۳۷۳). آموزش برای توسعه، تحلیلی از گزینش‌های سرمایه‌گذاری. ترجمه پریدخت وحیدی و حمید سهرابی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۷۸). اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۹۲). عقلا نیت و توسعه‌یافتگی ایران. تهران: نشر فرزانه.
- سن، آمارتیا (۱۳۹۴). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی، تهران: دانشگاه تهران.
- شاهپوندی، ا. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر آموزش و سلامت نیروی انسانی بر رشد اقتصادی در کشورهای عضو اپک. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- شیرزادی، رضا (۱۳۹۱). نوسازی، توسعه، جهانی شدن: مفاهیم، مکاتب و نظریه‌ها. تهران: نشر آگه.
- صادقی، س. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بلندمدت بین مخارج آموزشی، بهداشتی، امنیت و رفاه اجتماعی و رشد اقتصادی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (زهیافت حداقل مربعات پویا). فصلنامه مجلس و راهبرد، ۲۱(۸۰)، ۱۳۶-۱۱۳.
- عظیمی، حسین (۱۳۹۳). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.

- گجراتی، دامودار (۱۳۸۳). *مبانی اقتصاد سنجی* (جلد ۱). ترجمه حمید ابریشمی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گریفین، کیت؛ مک کنلی، تری (۱۳۷۵). *تحقیق استراتژی توسعه انسانی*. ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران: موسسه عالی پژوهش و تأمین اجتماعی.
- گریفین، کیت؛ نایت، جان (۱۳۷۶). *توسعه انسانی: تأکید مجدد*. ترجمه علی دینی و معصومه صالحی امین، *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲(۷)، ۱۵۷-۱۱۵.
- متوسلی، محمود؛ آهنچیان، محمدرضا (۱۳۹۴). *اقتصاد آموزش و پرورش*. تهران: سمت.
- محمودی، وحید (۱۳۸۵). *سرمایه انسانی، توانمندسازی انسانی. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی* (۲۲۵ و ۲۲۶)، ۲۲۷-۲۲۰.
- مشکانی، ابوالفضل؛ سامتی، مرتضی؛ خوش‌اخلاق، رحمان؛ دلالی اصفهانی، رحیم؛ عمادزاده، مصطفی (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر هزینه‌های آموزش بر سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با استفاده از الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه. فصلنامه تحقیقات مدل سازی اقتصادی* (۵)، ۱۳۰-۱۰۳.
- معدن‌دار آرانی، ع؛ سرکارآرانی، م. (۱۳۸۸). *آموزش و توسعه*. تهران: نشر نی.
- منصوری، ع. (۱۳۷۹). *توسعه انسانی زمینه‌ساز توسعه سیاسی و اقتصادی. ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، ۱۵ (۳ و ۴)، ۱۶۹-۱۶۴.
- موسوی خامنه، مرضیه؛ ودادهیر، ابوعلی؛ برزگر، نسرين (۱۳۸۹). *توسعه انسانی مبتنی بر جنسیت و آموزش زنان. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)* (۴)، ۷۳-۵۱.
- نوری نائینی، م.؛ قاسمی، ح.؛ کاظمی تربقان، م. (۱۳۹۶). *بررسی عوامل مؤثر بر شاخص توسعه انسانی در ایران با استفاده از رویکرد میانگین‌گیری بیزی. فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، ۸(۲۹)، ۶۰-۴۵.
- Ardashkin, I. B. (2015). Philosophy of Education as a Social Development Factor: World Trends and Prospects for Russia. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*(166), 277- 286.
- Avelar, A. B., Oliveira, K. D., & Pereira, R. d. (2019). Education for advancing the implementation of the Sustainable Development Goals: A systematic approach. *The International Journal of Management Education*(17), 1-15.
- Aydemir, A. B., & Yazici, H. (2019). Intergenerational education mobility and the level of development. *European Economic Review*(116), 160-185.
- Baum, N. D., & Lin, S. (1993). The Differential Effects on Economic Growth of Government Expenditures on Education, Welfare and Defense. *Journal of Economic Development*(18).
- Bellettini, G., & Ceroni, C. B. (2000). Social SCUErity Expenditure and Economic Growth: an Empirical Assessment. *Journal of Research in Economics*(54).

- Colombier, C. (2000). Does the Composition of Public Expenditure Affect Economic Growth? *Evidence from Switzerland, Working Paper*.
- Eggoh, J., Houeninvo, H., & Sossou, G. A. (2015, March). EDUCATION, HEALTH AND ECONOMIC GROWTH IN AFRICAN COUNTRGCEE. *JOURNAL OF ECONOMIC DEVELOPMENT*, 40(1), 111-93.
- Evans, P., & Rauch, J. (1999). Bureaucracy and Growth: A Gross-National Analysis of the Effects of Weberian State Structures on Economic Growth. *American Sociological Review*, 64(5), 765-748.
- Filho, W. L., Skanavis, C., Kounani, A., Brandli, L. L., Shiel, C., Paco, A.,... Shula, K. (2019). The role of planning in implementing sustainable development in a higher education context. *Journal of Cleaner Production*(235), 678-687.
- Hakan, O., Zar, C. O., & Zehra, V. S. (2015, April). Effects of Female Education on Economic Growth: A Cross Country Empirical Study. *Educational ScienGCEE: Theory & Practice*, 15(2), 357-349.
- Kurt, S. (2015). Government Health Expenditures and Economic Growth: A Feder-Ram Approach for the Case of Turkey. 5(2).
- Mason, M., Crosseley, M., & Bond, T. (2019). Changing modalities in international development and research in education: Conceptual and ethical issues. *International Journal of Educational Development*(70), 1-10.
- McMahon, W. W. (2018). The total return to higher education: Is there underinvestment for economic growth and development? *The Quarterly Review of Economics and Finance*(70), 90-111.
- Narayan, S., Narayan, P. K., & Mishra, S. (2010). Investigating the Relationship between Health and Economic Growth: Empirical Evidence From a Panel of 5 Asian CountrGCEE. *Journal of Asian Economics*, 21(4), 411-404.
- Ranis, G. (2004). Human Development and Economic Growth. *Economic Growth center, Center Discussion Paper*(887), 1468-1461.
- Saviotti, P. P., Pyka, A., & Bogang, J. (2016). Education, structural change and economic development. *Structural Change and Economic Dynamics*(38), 68-55.
- sinakou, E., Pauw, J. B.-d., Goossens, M., & Petegem, P. V. (2018). Academics in the field of Education for Sustainable Development: Their conceptions of sustainable development. *Journal of Cleaner Production*, 184, 332-321.
- UNDP. (2004). *Human Development Report 1990*. New York: Oxford University Press.
- UNDP. (2015). *Human Development Report 2015*. NY: Oxford University Press.
- UNDP. (2016). *Human Development Report 2016*.
- UNDP, & Sci. (2003). *Population & Development Data sheet for Islamic Republic of Iran*.
- Wang, K. M. (2011). Health Care Expenditure and Economic Growth: Quantile Panel-type Analysis. *economics Modelling*(28), 1139-1112.